

ششمین قمر

شی تائو

ترجمه‌ی شهر روز رشید

روزهای زمینی هرگز از عهده‌ی ششمین قمر بر نخواهند آمد
ششمین قمر، آنجا که دل من زوال می‌یابد
همچنان که شعرم
و رویارده در خنده‌ی خونین و همی خفه می‌شود.

اخگر خورشید می‌ترکاند پوست را در ششمین قمر
چهره‌ی حقیقی زخم را عریان می‌کند.
برای زمستان‌خوابی در اقلیمی دیگر
می‌گریزند ماهیان از دریای خونالود در ششمین قمر.

در ششمین قمر، زمین به هیئتی دیگر در می‌آید
رودها بی‌صدا جاری می‌شوند.

نامه‌ها و کارت‌ها در گوشه‌ای انبوه می‌شوند
بی امید آنکه
روزی به دست مردگان برسند.